

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هفتم. شماره ۲۸. تابستان ۱۳۹۵

صفحات: ۹۱-۱۰۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱

بررسی حقوق مالی زوجه در حین زوجیت

شکوفه زاینوری*
علی بحری(طیّبی)**

چکیده

عقد نکاح جزء اسبابی است که برای زوجین ایجاد حق می‌نماید، این حق اعم از حق مالی و حق غیر مالی است. حقوق مالی زوجین را به سه دوره می‌توان تقسیم کرد: در حین زوجیت، پس از طلاق، بعد از فوت. حقوق مالی مختص به زوجه که ناشی از حق نکاح می‌باشد، شامل مهر و نفقه و اجرت المثل و نحله می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی حقوق مالی زوجه در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران در حین زوجیت می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی، تحلیلی می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که مهر یکی از ارکان نکاح است و مقدار مالی است که زوج به زوجه می‌پردازد. سبب وجوب مهر عقد است و به محض عقد نکاح مهر به ملکیت زن در می‌آید و با وقوع نزدیکی تمام آن استقرار می‌یابد. تعبیری که قرآن از مهریه کرده، «صداق» است (قرآن کریم، نساء، ۴) و صداق، بی‌شک، همراه با بار حقوقی، پایه‌ای کاملاً اخلاقی دارد؛ زیرا تأیید کننده‌ی راستی و نشان وفاداری شوهر به زن است؛ در واقع، صداق، عنصر سوم و در عین حال اختیاری و غیر اجباری در نکاح است که مرد آن را به عنوان هدیه به زن می‌دهد؛ هرچند که گاه، کلان بودن میزان این هدیه، بار معنوی آن را تقریباً از میان می‌برد و به آن صورتی کاملاً مادی می‌بخشد. نفقه زن عبارتست از عموم مایحتاج معیشتی زن که زوج مکلف است این نیازمندیها را متناسب با شان و منزلت اجتماعی و خانوادگی زن بپردازد. نفقه ضمن اینکه یک حکم تکلیفی است حکم وضعی نیز می‌باشد، نفقه مختص به عقد دائم می‌باشد.

کلید واژگان: حقوق مالی، زوجه، زوجیت

* کارشناس ارشد گروه فقه و حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

ایمیل: Shokoofehnoori@yahoo.com

** استادیار گروه فقه و حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Bahrii.aliini@gmail.com

مقدمه

با اولین بحران در روابط زوجین، حقوق مالی به شدت در جایگاه تنازع اصلی قرار می‌گیرد و چنانچه روابط مالی همسران، از ابتدا با درایت تنظیم نشده باشد، مشکلات عدیده‌ای را به بار می‌آورد و در پی آن احتمال میزان سوء استفاده از این حقوق انکار ناپذیر خواهد بود. بنابراین این نکته حایز اهمیت است که زوجین از حقوقی که در فقه اسلامی و قانون آمده است به چه صورت و چگونه استفاده کنند. در این مجموعه سعی بر آن است که مباحث دقیقی از «حقوق و روابط مالی زوجین» در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، مطرح شود و زوجین از امتیازی که به موجب اصول و قواعد حقوقی برخوردار می‌باشند، اطلاع لازم را کسب نمایند و ضمن اتخاذ شیوه‌های صحیح در ایجاد تعهدات خود، حق و دینی را که بر عهده دارند، با اطلاع از ابعاد چگونگی تعهد خویش، راساً به تادیه آن اقدام کنند و الا در صورت بروز اختلاف، بدون منازعه و مجادله‌ای بی‌فایده، با انتخاب راهکار اصولی در مراجعه به مبادی قانونی حقوق متصور خویش را مطالبه نمایند. لذا پاسخ به این مسأله ضروری است که آیا در فقه و حقوق اسلامی در رابطه با حقوق مالی زوجین، قوانینی وضع شده است؟

بررسی فقهی حقوقی مهریه

مهریه، خسارت، غرامت، ثمن، بضع و عوض نیست؛ آنچنان که برخی از حقوقدانان پنداشته و گفته‌اند: «چون شوهر در اثر عقد نکاح بر بضع، حق پیدا می‌کند، عوض، که مهر می‌باشد، باید از ملکیت او خارج شود.» (حلی، ۱۳۷۶، ۳۶۶).

مطابق قانون، «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد.» (قانون مدنی، ماده ۱۰۷۸).

مهر همواره به صورت متعارف و به هنگام خواستگاری و نکاح، یا پس از آن تعیین نمی‌شود، بلکه ممکن است حالت‌های حقوقی گوناگونی را به این اعتبار و نیز به علت وضعیت‌هایی پرشمار، که در ازدواج پدید می‌آید، با خود به همراه داشته باشد.

تملك مهر

فقه‌های مشهور بر این باورند که با انجام عقد، زن مالک همه‌ی مهر می‌شود (موسوی الخمینی، بی‌تا) ولی به گونه‌ی متزلزل (نیمی از مهر به گونه‌ی متزلزل در ذمه قرار می‌گیرد و نیم دیگر آن منعقد می‌شود)، و با انجام عمل زناشویی یا عوامل دیگر، همه‌ی آن مستقر خواهد شد. اسکافی، از فقه‌های امامیه، بر این باور است که زن، همزمان با انجام عقد تنها مالک نیم، و با زناشویی (یا عوامل دیگر استقرار دهنده‌ی مهر) مالک همه‌ی آن می‌شود (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۱، طباطبایی، ۱۴۱۸ق).

مهریه تنها به خود زن تعلق دارد و پدر، مادر، و دیگران در آن حقی ندارند. اگر شوهر،

بخشی از مهر را برای زن و بخشی از آن را برای دیگران قرار دهد، آنچه را مربوط به شخص زن است باید پرداخت کند و مهر به شمار می‌آید، ولی بقیه ساقط است (طوسی، ۱۴۰۹ق). همه‌ی فقها، به جز شیخ طوسی، بر این باوراند که پدر، حق تصریف در مهر دخترش را ندارد، مگر به اجازه‌ی خود دختر. قانون مدنی روشنی می‌گوید:

«به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصریفی که بخواهد در آن بنماید.» (قانون مدنی، ماده ۱۰۸۲).

زمان پرداخت مهریه

«برای تأدیه‌ی تمام یا قسمتی از مهر، می‌توان مدت یا اقساطی قرار داد.» (قانون مدنی، ماده ۱۰۸۳).

پرداخت مهر بر مرد واجب است، خواه حال باشد یا مدت‌دار، و خواه زن درخواست کند یا نکند. از زمانی که مرد، زن را به عقد خویش در می‌آورد باید به پرداخت مهر مقید باشد و مستحب است بخشی از آن را پیش از زناشویی پرداخت کند (حلی، ۱۳۷۶). امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که با زنی ازدواج کند و تصمیم پرداخت مهریه را نداشته باشد، در نزد خداوند عزوجل زانی محسوب می‌شود.» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۸).

بررسی آثار ایجاد حق زن بر مهر

مهریه به عنوان حقی که برای زوجه در نکاح است دارای اختیاراتی است که زوجه پس از نکاح بدست می‌آورد که در ذیل بیان شده‌اند:

حق حبس

زن می‌تواند تا وقتی که مهر را دریافت نکرده است از تمکین (اطاعت و آمیزش جنسی) امتناع نماید. این عمل را حق حبس می‌گویند. زن می‌تواند از این حق به عنوان اهرم فشار در جهت وادار کردن مرد به دادن مهر استفاده نماید. البته اگر زن قبل از درخواست مهر، با اختیار خود تمکین نماید حق حبس او از بین خواهد رفت (جبعی‌العاملی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۳۲).

ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکایت دارد: زن می‌تواند تا مهریه او تسلیم نشده از ایفا وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود. یکی از مظاهر بارز قاعده «عدل و انصاف» حق حبس است. در عقود معوض هر یک از طرفین بعد از ختم عقد حق دارند مالی را که به طرف منتقل کرده به او تسلیم نکند تا طرف هم متقابلاً حاضر به تسلیم شود به طوری که در آن واحد (یداً به ید) تسلیم و تسلّم به عمل آید (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶).

زوجه را نمی‌توان ملزم به تمکین خاص و ایفای سایر وظایف زناشویی کرد (رای شماره

۵۲۶-۱۳۶۹/۹/۱۱ شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور).

در صورت تقسیط پرداخت مهریه حق حبس زوجه تا پایان دریافت تمامی اقساط به قوت خود باقی می ماند. کمیسیون حقوقی شورای عالی قضایی در پاسخ به این سوال؛ در صورتی که مهریه زوج حال باشد با علم قدرت زوج از پرداخت مهریه به صورت نقد و کسر نمودن از حقوق به طور اقساط، آیا زوجه تا وصول کلیه مهریه حق امتناع از تمکین دارد و در صورت امتناع حق نفقه دارد یا خیر؟ اظهار نظر نموده است: «تا وصول مهریه حق امتناع از تمکین و استحقاق نفقه رابا توجه به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی دارد.»

زوجه مستحق نفقه خواهد بود. قسمت اخیر ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی به صراحت زن را زمانی که اعمال حق حبس می نماید مستحق نفقه می داند. بنابراین اگر زوجه حاضر به تمکین باشد ولی آن را موکول به دریافت مهر که حق وی است، بنماید عنوان ناشزه نداشته و از این رو زوج مکلف است که نفقه همسرش را پرداخت کند.

اکثریت قریب به اتفاق اعضای کمیسیون بررسی امور حقوقی و قضایی دادگستری تهران در ۱۳۷۷/۷/۱ در این مورد چنین اظهار نظر نموده اند: «با توجه به مواد ۱۰۸۵ و ۱۱۰۸ قانون مدنی چون زوجه به علت مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع می کند و این امتناع مسقط حق نفقه او نیست، به عبارت دیگر مستحق دریافت نفقه از شوهر می باشد، چنانچه شوهر با داشتن استطاعت، نفقه او را ندهد مطابق ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات است.»

مهریه به نرخ روز

بر پایه ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، با توجه به نوسان پول رایج و رشد قیمت ها، دریافت مهر در سال های پس از عقد، عملاً مشکلاتی را برای همسران و حتی دادگاه پدید می آورد، زیرا پرداخت پول رایج در سال های بعد، به علل یاد شده، موجب ضرر و اضرار جبران نشدنی برای زن بود؛ پس پیوست یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی درباره مهریه، در نشست علنی ۱۳۷۶/۴/۲۹ در مجلس، مطرح و تصویب شد، که چهارچوبی را برای حفظ حقوق زنان در این بخش مقرر می کرد. بر پایه این قانون:

۱. هرگاه همسران هنگام اجرای عقد، به شیوه ای دیگر توافق کرده باشند، بر پایه ای همان توافق، درباره ی پرداخت مهریه اقدام خواهد شد.

۲. هرگاه هنگام اجرای عقد، میان همسران تراضی نشده باشد، در این صورت، «چنانچه مهریه، وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه ی زمان تأدیه، نسبت به سال اجرای عقد، که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد، محاسبه و پرداخت خواهد شد.»

در زیر این قانون مقرر شد که بانک مرکزی، با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی، آیین نامه ی اجرایی این قانون را ظرف سه ماه تهیه کند و به تصویب هیئت

وزیران برسانند. این آیین نامه، در نشست ۱۳۷۷/۲/۱۳ هیئت وزیران به تصویب رسید.

کارکردهای اقتصادی و اجتماعی مهریه

مهریه می تواند کاستی سهم زن از ارث را جبران کند (جعفری، ۱۳۷۵؛ جوادی آملی، ۱۳۷۵). در سامانه‌ی حقوقی اسلام، طلاق از اختیارات مرد است. برخی مفسران، مهریه را وسیله‌ی کنترل گرایش‌های ناجوان مردانه و برهم‌زننده‌ی زناشویی از سوی مرد عنوان کرده‌اند. (طالقانی، ۱۳۶۰؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶).

مهریه می تواند مشکلات ناشی از بی‌توجهی‌های مرد به خواسته‌های مالی زن را جبران کند و یا در صورت جدایی، تا اندازه‌ای، استقلال مالی زن را فراهم سازد (طالقانی، ۱۳۶۰). از نظر اسلام، مهریه حتی ضمانت مالی برای تداوم زندگی مشترک و یا برای استمرار زندگی زن پس از طلاق نیست، که اگر چنین بود، باید شرط لازم نکاح باشد. به نظر می‌رسد شریعت اسلام، بویژه آن شاخه‌هایی از شریعت، که مستقیماً از قرآن و نه برداشت‌های بشری فقیهان، ریشه می‌گیرند، چون آن ویژگی پایدار و همیشگی آن است که حقوق را با اخلاق بیامیزد و آن را بر پایه‌ی دو عنصر انسان‌گرایی و معنویت استوار سازد و دست آخر نیز ارزش‌های مادی را به ارزش‌های معنوی تبدیل کند، درباره‌ی مهریه نیز چنین روندی را سپری کرده است. تعبیری که قرآن از مهریه کرده، «صداق» است (قرآن کریم، نساء، ۴) و صداق، بی‌شک، همراه با بار حقوقی، پایه‌ای کاملاً اخلاقی دارد؛ زیرا تأیید کننده‌ی راستی و نشان وفاداری شوهر به زن است؛ در واقع، صداق، عنصر سوم و در عین حال اختیاری و غیراجباری در نکاح است که مرد آن را به عنوان هدیه به زن می‌دهد؛ هر چند که گاه، کلان بودن میزان این هدیه، بار معنوی آن را تقریباً از میان می‌برد و به آن صورتی کاملاً مادی می‌بخشد (بوازار، ۱۳۶۲، ص ۲۳۴).

نفقة

یکی از مسائل مهمی که بعد از ازدواج مطرح می‌شود؛ مسئله تأمین هزینه و معاش خانواده است. از این جهت که آیا نفقه تکلیفی یک‌جانبه است یا دو جانبه می‌باشد؟ در قانون مدنی بیان شده که پس از وقوع نکاح، زن و شوهر به حکم قانون، حقوق و تکالیف گوناگونی نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند (ماده ۱۱۰۲ ق م).

اداره خانواده و تربیت فرزندان هزینه‌هایی دارد که باید یکی از زوجین یا هر دو متحمل شوند. همین ضرورت سبب می‌شود که زن و مرد از نظر مالی با هم رابطه حقوقی پیدا کنند و قانون در تنظیم این رابطه نظارت دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶). از نظر اسلام تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخصی زن به عهده مرد است و زن هیچ‌گونه مسولیتی ندارد (محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۲۸۹). بنابراین تکلیف مرد در دادن نفقه زن، یک تکلیف یک‌جانبه می‌باشد و دارا بودن زن یا عدم دارا بودن وی تأثیری در آن ندارد و زن الزامی ندارد که از اموال

شخصی خویش مخارج و مایحتاج زندگی خود را تنظیم کند. فقهای اسلام اتفاق نظر دارند که نفقه از لوازم عقد دائم می‌باشد و در نکاح متعه یا ازدواج موقت، نفقه زوجه به عهده زوج نمی‌باشد (جبعی العاملی، ۱۴۱۰ق). اما درباره‌ی شرایط وجوب نفقه بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند بلافاصله پس از عقد نفقه زن واجب می‌باشد و برخی دیگر معتقدند زوجه تنها پس از احراز تمکین مستحق نفقه خواهد بود.

برای وجوب نفقه مبتنی بر تمکین، هیچ دلیل صریح و تلویحی وجود ندارد، بلکه صرف ادعا است، اما ادله و اخبار، وجوب نفقه را مبتنی بر مجرد عقد دانسته است (بحرانی، ۱۴۰۹ق، ص ۹۹). قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۰۸ از نظریه مشهور فقها پیروی نموده و زوجه ای را که حاضر به تمکین نباشد مستحق نفقه نمی‌داند، یعنی به مجرد وقوع عقد زوجه مستحق نفقه نیست و با تمکین کامل استحقاق آن را خواهد داشت.

رابطه ریاست شوهر با نفقه

برخی معتقدند نفقه در مقابل حق ریاست یا سرپرستی شوهر بر خانواده (زوجه و فرزندان) می‌باشد که در فقه به «حق الطاعه» تعبیر شده است. به نظر می‌رسد آیات و روایات هم مؤید همین نظر است. در بررسی آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (قرآن کریم، نساء، ۳۴) بیان شد که ابتدای آیه بیانگر حقی است که به شوهران داده شده زیرا در ادامه آیه آمده است: «وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» در مقابل این حق، تکلیفی را به عهده وی نهاده که همان تأمین هزینه خانواده (نفقه زن) می‌باشد. لذا ریاست مردان سبب الزام آنها به پرداخت نفقه است. همان طور که صاحب جواهر چنین برداشتی از آیه را استشمام می‌کند (نجفی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۶). برخی از حقوقدانان عرب زبان نیز، با چنین برداشتی از آیه فوق، حق ریاست شوهر را سبب انفاق زوجه ذکر کرده‌اند (زحیلی، ۱۳۸۵، ص ۸۲).

الزام به پرداخت

در صورت استنکاف شوهر از پرداخت نفقه که از مصادیق نشوز زوج می‌باشد، زن می‌تواند با مراجعه به دادگاه، شوهر را ملزم به پرداخت آن نماید و این مورد اتفاق فقهای امامیه است (نجفی، ۱۳۶۶، ص ۲۰۷). ماده ۱۱۱۱ق.م درباره ضمانت اجرای الزام به پرداخت نفقه بیان می‌کند: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند و در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد». این سوال مطرح می‌شود که آیا زن می‌تواند در صورت غیبت شوهر یا استنکاف شوهر از پرداخت نفقه، از اموال شوهر برداشت نماید؟

پیامبر (ص) در این رابطه می‌فرماید: زن چنین اختیاری را داراست، این کلام را پیامبر زمانی

فرمودند که زن ابوسفیان نزد ایشان آمد و از عدم پرداخت نفقه کامل و در شأن او توسط ابوسفیان، شکایت نمود. پیامبر فرمود آنچه که در شأن خود و فرزندان است می‌توانی از اموال او برداشت نمایی (نجفی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۲). اما طبق ماده ۱۲۰۵ ق.م.مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ تنها با اجازه دادگاه چنین حقی برای مستحق نفقه اعم از زوجه و اقارب می‌باشد، البته به شخص ثالث همچنین اجازه داده شده از طرف غایب یا مستنکف به عنوان قرض، نفقه را به مستحق آن پردازد و از این طریق با فرد مزبور رابطه حقوقی پیدا کند تا بتواند از او مطالبه کند. این ماده مقرر می‌دارد:

«در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه بر عهده اوست، ممکن نباشد، دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقه به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه را به عنوان قرض پردازد و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نماید»

ضمانت اجرای کیفری نفقه

ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده برای شوهری که از پرداخت نفقه استنکاف می‌کند، مجازات حبس از سه ماه تا یکسال در نظر گرفته بود. این قانون به موجب ماده ۶۴۲ ق.م. منسوخ شد. در ماده ۶۴۲ ق.م. هم مجازات تارک نفقه حبس اعلام شده است. این ماده بیان می‌کند: «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین، ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه محکوم می‌نماید». کاتوزیان (۱۳۸۷) در رابطه با ماده ۶۴۲ ق.م. می‌نویسد: «از لحن ماده بخوبی پیداست که کیفر تعزیر، در مورد شوهری اجرا می‌شود که نفقه آینده زن خود را تأمین نکند. پس اگر مردی بابت نفقه گذشته مبلغی به زن خود بدهکار باشد، ولی مخارج ضروری او را در آینده تأمین نکند، مشمول حکم ماده ۶۴۲ ق.م. نیست، در این حالت زن فقط می‌تواند برای گرفتن طلب خود به دادگاه مدنی رجوع کند». (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۹۱) برخی از فقهای امامیه نیز برای استنکاف شوهر از نفقه، مجازات تعزیر در نظر گرفته‌اند: «اگر مرد امتناع نماید، حاکم به تشخیص خود، می‌تواند وی را تعزیر نماید». (نجفی، ۱۳۶۶، ص ۲۰۷).

امتیازات نفقه زوجه

مطابق ماده ۱۲۰۳ ق.م. نفقه زن بر نفقه اقارب مقدم است. نفقه زن در مقایسه با نفقه اقارب و غیر آن دارای ویژگی‌های خاصی است که در ذیل بیان می‌شود:

در حقوق ایران و اسلام نفقه زوجه تکلیفی یک جانبه است و زن هیچ‌گاه مکلف به دادن نفقه به شوهر نیست؛ اما نفقه اقارب از تکالیف متقابل است. یعنی همان‌گونه که پدر غنی باید

نفقه پسر فقیر را پردازد، بالعکس اگر پدر فقیر باشد بر پسر غنی لازم است نفقه پدر را بدهد. البته یک جانبه بودن تکلیف نفقه برای زن به معنای عدم تکلیف زن نیست، بلکه نفقه، تعهدی در مقابل تکلیف اطاعت زن از مرد است.

مطابق ماده ۱۱۹۷ ق.م که آمده است: «کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند بوسیله اشتغال به شغلی و سایل معیشت خود را فراهم سازد» و در ماده ۱۱۹۸ ق.م نیز می خوانیم: «کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد، یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد». نفقه زن مشروط به فقر زن یا تمکن مرد نیست، زن حتی اگر ثروتمند باشد می تواند از شوهر نفقه طلب کند. در حالی برای نفقه اقارب، وجوب نفقه از یک طرف، مشروط به فقر نفقه گیرنده است و از طرف دیگر مشروط به تمکن منفق می باشد. زیرا نفقه زوجه از نوع تعهد معاوضی است (نجفی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۵) یا به نظر بعضی حق مالی است که در مقابل تمکین اجب شده، به خلاف نفقه اقارب که از باب وجوب مواسات است.

قابل مطالبه بودن نفقه گذشته

مطابق ماده ۱۲۰۶ ق.م. که در آن آمده است: «زوجه در هر حال می تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید... ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می توانند مطالبه نفقه نمایند». نفقه زن همانند سایر دیون بر ذمه شوهر است و زن می تواند به دلیل معاوضی بودن نفقه زوجه، نفقه گذشته خود را از شوهر طلب نماید. در حالی که نفقه اقارب همیشه ناظر به آینده است و نسبت به نفقه گذشته، نمی تواند مطالبه ای داشته باشند.

تناسب با وضع اجتماعی زن

مطابق ماده ۱۱۰۷ ق.م. که بیان داشته است: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم، در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». نفقه زوجه باید متناسب با وضع اجتماعی زن باشد. در حالی که مطابق ماده ۱۲۰۴ ق.م. که بیان می کند: «نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاثالیه بقدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق». نفقه اقارب را فقط به اندازه رفع حاجت آنان با توجه به توان انفاق کننده می باشد.

مقدم بودن طلب زن

طلب زن بابت نفقه بر سایر بدهی ها مقدم است؛ زیرا در صورت ورشکستگی یا فوت شوهر و عدم کفایت اموال وی برای پرداخت دیون، نفقه زن مقدم است. تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، نفقه زوجه و اولاد را بر سایر دیون مقدم نموده است. همچنین

ماده ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ و ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹، نفقه زن را در طبقه چهارم قرار داده و در عین حال بر طلب‌های عادی مقدم داشته. حال با توجه به این مقررات، این سؤال مطرح است که کدام یک از این قانون‌ها، مقدم است؟ آیا قانون حمایت خانواده که موخر و عام است، مقدم می‌باشد یا قانون تصفیه امور ورشکستگی و قانون امور حسبی که خاص می‌باشد، مقدم می‌شود. علی‌الاصول قانون خاص باید بر قانون عام مقدم باشد، حال اگر دو قانون خاص مقدم شود، قانون حمایت خانواده درباره نفقه زوجه، دیگر متضمن هیچ حکم تازه‌ای نخواهد بود و قانونگذار کار عبث و بیهوده‌ای انجام داده است. بنابراین قانون حمایت خانواده، ناسخ دو قانون قبل است و نفقه زوجه بر سایر دیون مقدم است و در صدر دیون ممتاز، جای می‌گیرد (صفایی و امامی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۳). اما نسبت به دیون دارای وثیقه چنین تقدیمی ندارد. زیرا مرتهن دارای حق عینی بر عین مرهونه است. در نتیجه تبصره ۲ ماده ۱۲ منصرف به دینی است که دارای وثیقه عینی باشد و نفقه زوجه و اولاد بر چنین دینی مقدم نخواهد بود (صفایی و امامی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۴).

نتیجه‌گیری

در خصوص مهریه، مهر به زن شخصیت می‌دهد و ارزش معنوی مهر برای زن بیشتر از ارزش مادی آن است. منشأ مهر، ضعف زن و کالا بودن وی نیست بلکه منشأ مهر، عفت و حیا داشتن و گرانها بودن اوست. اسلام، زن را مالک مهر خویش معرفی کرد و از مهر به عنوان «هدیه و پیشکش» نام می‌برد و استفاده از آن را برای مرد بدون اجازه همسر حرام شمرد. زن می‌تواند تا مهریه او تسلیم نشده از ایفا و وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود. وظایفی که زوجه در مقابل شوهر دارد مندرج در ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی ناظر به تمکین خاص است. زوجه را نمی‌توان ملزم به تمکین خاص و ایفای سایر وظایف زتاشویی کرد. هرگاه طلاق بعد از نزدیکی رخ دهد، زن مالک تمام مهر است.

در خصوص نفقه، خوراک و پوشاک به عنوان بعضی از مصادیق لوازم و مصالح زندگی ذکر آنچه که عرف، آن را به عنوان نفقه و هزینه زندگی بشناسد، پرداخت آن بر شوهر واجب است. در حقوق ایران و اسلام نفقه زوجه تکلیفی یک جانبه است در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد؛ مگر این که شرط شده یا عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. توجه به وضعیت اجتماعی طرفین را برای میزان نفقه لازم می‌داند. تکلیف نفقه‌ی تأمین هزینه خانواده بر عهده شوهر نهاده شده است. مانع بودن نشوز از استحقاق نفقه، مورد اتفاق همه فقهای شیعه و اهل سنت است. اگر شوهر از دادن نفقه زن خودداری نماید، زوجه می‌تواند از طریق دادگاه وی را ملزم کند و در صورت عدم امکان الزام او به انفاق، زن حق دارد از دادگاه تقاضای طلاق نماید. همچنین در مورد اجرت المثل و نحله بهره‌مندی زوج از نیروی کار زوجه در ایام زندگی

زناشویی است و کار نیز نوعی مال است که دارای ارزش مالی بوده و قابل مبادله با پول است، لذا استیفا از کار دیگری نیز مستحق اجرت المثل است و می توان گفت: «اجرت المثل در برابر اجرت المسمی است و به مزدی که معمولاً مردم در برابر انجام دادن کاری به عامل می پردازند و از آن نام برده نشده و معین نگردیده است، گفته می شود.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق) (۱۴۱۵ق). من لا یحضره الفقیه، انتشارات اسلامیة.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۹ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، مؤسسه نشر اسلامی، قم
- بوازار، مارسل (۱۳۶۲). انسان دوستی در اسلام، برگردان محمد حسن مهدی اردبیلی و غلام حسین یوسفی، توس، تهران.
- جبعی العاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۶ق). مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، چ اول، موسسه المعارف الاسلامیه، قم.
- جبعی العاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۰ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، چ اول، انتشارات داوری، قم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۴۶). ترمینولوژی حقوق، ابن سینا، تهران.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۵). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۱، دفتر نشر اسلامی، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). زن در آیینه جلال و جمال، ج ۱، صدرا، قم.
- حلی، جمال الدین ابی منصور حسن بن یوسف (علامه حلی) (۱۳۷۶). تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ج ۲، دارالفکر، قم.
- زحیلی، وهبة، (۱۴۲۰ق)، الاسرة المسلمة فی العلم المعاصر، دارالفکر، دمشق.
- صفایی، سید حسن، امامی، اسدالله (۱۳۷۸). مختصر حقوق خانواده، چ ۸ و ۵، میزان، تهران.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۰). پرتوی از قرآن، ج ۴، شرکت سهامی انتشار، بی جا.
- طباطبایی، سید علی بن محمد بن ابی معاذ (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی التحقيق الاحکام بالدلائل، موسسه آل البيت (ع)، قم.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). التبیان، ج ۶، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم.
- قانون مدنی با آخرین اصلاحات بانضمام قانون مسئولیت مدنی تصحیح و مقابله بر اساس کتاب قانون مدنی در نظم کنونی ناصر کاتوزیان (۱۳۹۲) زیر نظر محمد حسین شهبازی؛ بکوشش عباس حسینی نیک. مجلد، تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). حقوق مدنی خانواده، چ ۲، بهمن برنا، تهران.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۵). بررسی فقهی حقوق خانواده، انتشارات علوم اسلامی، تهران.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۶). تفسیر نمونه، ج ۳، دارالکتاب الاسلامیه، تهران.
- موسوی خمینی، روح الله (بی تا). تحریر الوسیله، ج ۲، ج ۲، انتشارات دارالعلم، قم.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۶). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲، المكتبة الاسلامیة، تهران.
- نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام، ج ۷، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Reviewing The Financial Rights Of The Wife During Marriage

Sh. Zayernoori¹
A. Bahri (Tayebi)^{2*}

Abstract

Marriage contract is a mean that initiate legal rights for the both involved couples. It included both the financial and non-financial rights. The couple financial rights could be divided into three periods: 1) during the marriage, 2) After the divorce, 3) after the death. The allocated financial rights for the wife that resulted from the marriage included the alimony, compensation and dowry. The research aimed to review the financial rights of woman in Shiite Jurisprudence and Iranian laws during the marriage. The research methods was a descriptive- analytical. The study concluded that "Mahr"(alimony) is one of the pillars of marriage and it is the amount of money that the husband should pay to his wife. The cause for the alimony necessity is the marriage contract and as soon as the marriage contract would have the obligation seal stamped it become the women's property and would be all established while the couple relation accomplished. The Quran interpretation of the "Mahr"(alimony) is Sedagh(interchanging present) (Quran, An-Nisa 4) and Mahr, no doubt, with its legal burden, based on completely ethical, since it confirms the honesty and show loyalty of the husband to his wife. In fact, Mahr, the third element that is voluntary. It should be presented to wife by the husband as a gift. Dowry is the living costs of the wife which should be assigned properly and paid by the husband. It is limited to a permanent marriage contract.

Keywords: financial rights, wife, marriage

1. M. A., Department of Jurisprudence and Law, Qom Branch ,Islamic Azad University, Qom. Iran (Corresponding author, email: shokoofehnoori@yahoo.com)

2*. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law , Qom Branch ,Islamic Azad University, Qom, Iran (Bahrii.ali@gmail.com)